روایت

نویدها و هشدارهای پیامبر اسلام (ص) برای روابط سالم اجتماعی

دکتر عبدالحسین طالعی
استاد دانشگاه قم

یکی از مهم‌ترین یادگارهای پیامبر نور و رحمت، خطبه‌ای جامع، هشداردهنده و درس آموز است که آن گرامی در واپسین روزهای حیات پربرکت خود در حال ضعف و بیماری در جمع مردم بیان فرمود. تأکید آن پدر مهربان امت در نهایت ضعف جسمی بر حقوق متقابل افراد جامعه بر یکدیگر، باید این پیام را به ما برساند که محض ادعای دوستی یا پیروی از آن حضرت، ما را به جایی نمی‌رساند.

نام فروردین نیارد گل به باغ
شب نگردد روشن از نام چراغ

شگفتا چنان اهتمامی از پیامبر و چنین بی‌توجهی از امت. بدین روی این سطور را باید نه به دیده که به دل دید و نه بر زبان که بر جان نشاند.

حدیث را شیخ صدوق به‌عنوان آخرین حدیث کتاب عقاب‌الاعمال روایت کرده است. با تفصیل تمام، که یک باب را به آن اختصاص داده است.

راویان آورده‌اند که پیامبر چندی پیش از رحلتش برای مردم خطبه‌ها ایراد فرمود که آخرین خطبه آن حضرت در مدینه بود و پس از آن دیری نپایید که به دیدار خداوند متعال شتافت. آن حضرت در این خطبه، چنان مؤعظه‌ای کرد که چشم‌ها را به گریه واداشت و دل‌ها تپیدن گرفت و قلب‌ها خاشع و بدن‌ها به لرزه در آمد و حاضران را بی‌قرار ساخت.

برخی از راهکارها، نویدها و هشدارهای پیامبر رحمت که در این خطبه آمده، در پی می‌آید؛

*اگر کسی در محکمه‌ای از ستمکاری دفاع کند (وکیل مدافع او باشد یا به نفع او شهادت دهد) یا او را (به نحوی) یاری کند، (هنگامی که) فرشته مرگ او را دریابد به لعنت خدا و جایگاه همیشگی او در آتش دوزخ، بشارت دهد.

*کسی که دنیا داری را به خاطر مال و منالی که دارد بزرگ داشته و او را دوست بدارد، خداوند نسبت به او (و رفتاری که دارد) خشمگین می‌گردد و (در روز قیامت) با قارون در تابوت آتش در یک درجه قرار گیرد.

*کسی که در دستمزد کسی که برای او کار می‌کند ظلم نماید، خداوند

عمل او را تباه و عطر بهشت را بر او حرام می‌سازد. با اینکه بوی بهشت از فاصله پانصد سال راه به مشام می‌رسد.

* کسی که قرآن را بیاموزد ولی بر اساس اوامر و نواهی آن رفتار نکند و دوستی دنیا و جاذبه‌های آن را بر (نعمت‌های) آخرت ترجیح دهد، سزاوار خشم خداوند است و در مرتبه یهودیان و مسیحیانی قرار می‌گیرد که (دستور) کتاب خدا را پشت سر انداختند و به آن عمل نکردند.

*کسی که از همسایه خود لوازم زندگی را- که بدان نیازمند است- مضایقه کند، در روز قیامت خداوند (نیز) فضل و برکت خود را از او دریغ کرده و او را به خود وامی‌گذارد و کسی را که خداوند به خود واگذارد، نابود خواهد شد و خداوند هیچ بهانه‌ای را از او نمی‌پذیرد.

*کسی که بر فقیری ستم یا درشتی کرده و او را خوار بشمارد، خداوند در روز قیامت، او را به اندازه موری کوچک و با شکل آدمی محشور خواهد کرد تا زمانی که رهسپار دوزخ گردد.

*کسی که همسر خود را آنقدر آزار دهد که حاضر شود با دادن مالی، خود را رها سازد، خداوند برای شوی او به کیفری کمتر از جهنم راضی نخواهد شد، زیرا خداوند تعالی برای زنی که مورد ستم قرار گرفته است (چنان) خشمگین می‌گردد که در مورد یتیم (و پایمال شدن حقوق او) خشمگین می‌شود.

*کسی که قرآن را برای آوازه و کسب شهرت یا به طمع مال‌اندوزی، تلاوت کند، در روز قیامت با صورتی استخوانی که آن را گوشت نپوشانده باشد خدا را دیدار خواهد کرد و قرآن آنقدر بر قفای او می‌زند تا قدم در جهنم گذارده و با کسانی که در دوزخ سقوط می‌کنند همراه خواهد شد.

*کسی که، مسئولیت سرپرستی گروهی را بر عهده بگیرد ولی با آنان به نیکی رفتار نکند، (در روز قیامت) در برابر هر روزی که بر آنان فرمان رانده است، به مدت هزار سال در گوشه‌ای از جهنم زندانی می‌شود و در حالی محشور می‌شود که دست‌هایش به گردنش غل شده باشد و اگر به فرمان خداوند متعال چنین مسئولیتی را بر عهده گرفته باشد، سرانجام خداوند او را (از عذاب خود) نجات دهد، ولی اگر به ناروا و به ناحق بر آنان، فرمان رانده باشد، خداوند (در روز قیامت) او را هفتاد سال در دوزخ سرنگون خواهد کرد.

*کسی که انجام نیاز نابینایی را بر عهده بگیرد و تلاش کند تا آن را انجام دهد، خداوند متعال دو برات آزادی به او عنایت می‌فرماید: یکی برات آزادی از آتش و دیگری برات دوری از نفاق و چند چهرگی و در این دنیا هفتاد هزار حاجت او را برآورده می‌سازد و تا وقتی که (به خانه یا محل کار خود) باز گردد غرقه دریای رحمت بی‌منتهای الهی خواهد بود.

*کسی که یک شب و روز، پرستاری بیماری را بر عهده بگیرد، خداوند متعال او را با حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام محشور می‌سازد و از پل صراط بسرعت برق خواهد گذشت.

*کسی که به فردی نیازمند وام بدهد و در مطالبه آن بر او سخت نگیرد، تمام گناهان گذشته او از نامه اعمالش پاک می‌گردد.

*کسی که قرآن را بیاموزد و در آن آموختن فروتنی را پیشه خود سازد و آن را به بندگان خدا بیاموزد و هدفش رضای خدا باشد، کسی را در بهشت نخواهید یافت که پاداشش بیشتر و گرانقدرتر از او و مقام و منزلتش از او بالاتر باشد و در بهشت هیچ مقام و منزلت والایی وجود ندارد که او سهم چشمگیری از آن نداشته باشد و شریف‌ترین منازل بهشت از آن اوست.

اینک ماییم و این نویدها و هشدارها از یک سوی، ادعای پیروی از این پیامبر از سوی دیگر و کیفر کفران نعمت که همواره می‌تواند گریبان ما را بگیرد. برای بازگشت از این بی‌توجهی نسبت به آموزه‌های پیامبرمان چه اندیشیده‌ایم؟

پاسخ جدی به این پرسش بسیار مهم می‌تواند در سرنوشت و آینده دنیایی و آخرتی ما مؤثر باشد.

ارزیابی تحول عمیق در موقعیت زنان با ظهور پیامبر گرامی اسلام در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین قنبرپور

محمد(ص)، احیاگر کرامت زنان

گروه پایداری/ تا پیش از اسلام زنان در جوامع گوناگون در شرق و غرب عالم با مشکلات حقوقی و اجتماعی بسیاری مواجه بودند. ولادت با سعادت پیامبر اسلام(ص) زمینه ساز تحولی ژرف در موقعیت زن به عنوان نیمی از پیکره اجتماع گردید. تحولی که چند دهه بعد با بعثت آن حضرت صورت عینی یافت. پیرامون این موضوع گفتنی های زیادی وجود دارد. در مناسبت ولادت با سعادت رسول گرامی اسلام حضرت محمد(ص) ضمن گفت و گو با حجت الاسلام والمسلمین مصطفی قنبرپور محقق و پژوهشگر حوزه دین و تاریخ اسلام برخی پرسش هایمان را با ایشان پیرامون موضوع زن در اسلام در میان گذاشتیم که حاصل آن پیش رویتان قرار دارد؛

امیرحسام زرافشان/ ایران

■ ولادت رسول اسلام چه تحولات اجتماعی - فرهنگی را به دنبال داشت؟

در روز جمعه هفدهم ربیع الاول سال ۵۷۰ میلادی فرزندی از مادری بزرگوار به نام آمنه در مکه به دنیا آمد که نام مقدس‌اش را محمد(ص) نامیدند و این فرزند عزیز مراحل رشد را سپری کرد تا در حالی که ۴۰ بهار از عمر شریف‌اش می‌گذشت به رسالت و پیامبری مبعوث گردید.

اولین آیاتی که در غار حرا بر آن حضرت نازل شد از آفرینش انسان و از علم و قلم و نوشتن بود و لذا می‌بینیم که بنیانگذار علم، تمدن و فرهنگ به معنی واقعی کلمه بویژه در بین آن مردمی که بهره‌ای از دانش و فرهنگ نداشتند پیامبر اکرم (ص) اسلام بود.

رسول خدا می‌فرمود:«طَلَبُ العِلمِ فَریضَه عَلی کلِّ مُسلِم و مُسلِمَه» یعنی فرا گرفتن علم و دانش بر هر مرد و زن مسلمان واجب است.

اگر در قرون وسطی در مسیحیت محکمه‌ای به نام انگیزاسیون یا تفتیش عقاید ایجاد کرده بودند و متفکران و دانشمندان را به جرم دادن فرضیه‌های علمی که مخالف عقاید پوسیده برخی از مقامات روحانی و کلیسای آن زمان بود یا به زندان می‌افکندند یا افرادی مانند گالیله را به اعدام محکوم می‌کردند، ولی در ۱۴ قرن قبل رسول خدا(ص) نه تنها علم را در هر زمینه به‌عنوان فریضه و واجب، هم برای مردان و هم برای زنان بیان کرد، بلکه می‌فرمود: نگاه کردن به چهره یک عالم عبادت است، نشستن در مجلس یک عالم و دانشمند نیز عبادت است. حتی نگاه کردن به درب خانه یک عالم را عبادت دانسته است.

■ زن چه موقعیتی در اسلام داشته و بعثت محمدی(ص) چه تحول بنیادینی در نوع نگرش اعراب جاهلی نسبت به زنان ایجاد نمود؟

رسول خدا(ص) با آمدنش تحول بسیار عظیمی در جهان ایجاد کرد؛ در همه ابعاد چه علمی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی. به ویژه در مورد زنان که جهان با دیده حقارت نسبت به آنها می‌نگریستند، رسول خدا شخصیت والایی برای زنان قائل شدند. پیش از ظهور اسلام زن دارای هیچ گونه ارزش و حقوقی اعم از حقوق انسانی یا سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نبود. اقوام و ملت‌ها حتی ادیان و مذاهب و فرقه‌های مختلف با دیده حقارت به او می‌نگریستند. تا آنجا که اگر چنانچه حقی از او پایمال می‌شد، قدرت قیام کردن و دفاع از حقوق خود را نداشت. به‌عنوان نمونه در یونان باستان آنگونه که تاریخ نشان می‌دهد، با وجود آنکه یونان قبل از اسلام جزو ملل پیشرفته و متمدن آن روزگار محسوب می‌شد، ولی زن نزد آنان دارای شخصیتی نبود و او را موجودی پاک نشدنی و حتی‌زاده شیطان می‌دانستند و در بسیاری از اوقات چون حیوانات او را در معرض فروش قرار می‌دادند.

■ موقعیت زن در میان سایر ملت‌ها در چه وضعی بود؟

یونانیان عموماً زن را موجودی پست دانسته و تنها برای ادامه نسل و کارهای خانه از او استفاده می‌کردند. دکتر گوستاو لوبون فرانسوی در تاریخ تمدن اسلام و عرب در صفحه ۵۰۷ از قول موسیو کروپ لنگ می‌نویسد:زن بیچاره که در اسپارک فرزند نیرومند و شایسته‌ای برای جنگ نمی‌زایید آن زن را می‌کشتند. در روم نیز برای زن ارزشی قائل نبودند و او را مظهر صفات شیطانی می‌دانستند و هرچه می‌توانستند به اذیت و آزار و تحقیر او می‌پرداختند و حتی او را مانند اشیای دیگر وسیله مبادله خود قرار داده بودند. در چین هم وضع زن بهتر از آنها نبود و چینیان نیز زن را پست‌تر از حیوانات می‌دانستند. یکی از فلاسفه‌ای که تقریباً ۵ قرن قبل از میلاد مسیح می‌زیسته به نام کنفوسیوس می‌گفت مرد حاکم و زن محکوم است و پس از فوت شوهر نیز اختیار او به دست اولاد و اگر فرزندی نداشته باشد به دست خویشاوندانش بوده و زن هرگز در هیچ مورد استقلال ندارد. در کتاب «دنیا در خطر سقوط» تألیف ابوالحسن علی ندوی می‌نویسد: در هند هم زن به منزله کنیز مرد محسوب می‌شد و حتی در قمار شوهر باخته می‌شد و گاهی چند شوهر داشت.

دکتر گوستاو لوبون فرانسوی در تاریخ اسلام و عرب صفحه ۵۰۷ از آن جمله در قانون هندی‌ها می‌گوید: قضا و قدر حتمی، طوفان و مرگ، جهنم، زهر کشنده، افعی و مار گزنده، آتش‌سوزان، هیچ کدام بدتر از زن نیست.

ما اگر بخواهیم در کشورهای دیگر مانند آفریقا و کلده و آشور و استرالیا و حتی در ایران یا در ادیانی مانند یهود و مسیحیت وضع زن را مورد بررسی قرار دهیم، آنها هم مانند دیگر کشورهای یاد شده برای زنان ارزشی قائل نبودند و بدتر از همه جا در شبه جزیره عرب بود که چه بسا در مقابل شتر زن را معاوضه می‌کردند و در آن سامان و آن زمان دختر بودن و یا دختر داشتن در بین بعضی از قبایل یک نوع جرم و سرشکستگی محسوب می‌شد. قرآن کریم در این مورد چنین می‌فرماید:«همین که مژده تولد دختری را به آنها می‌دادند از شدت تأثر چهره و رخساری سیاه و درهم پیدا نموده و اندوهناک می‌شدند، از این خبر وحشت زا مردمان روی پنهان نموده و به اندیشه فرو می‌روند که آیا آن مولود دختر را زنده به گور نمایند یا آنکه به ذلت و خواری نگاهداری کنند؟». (سوره نحل آیات ۵۸ و ۵۹)

■ دلیل اینگونه برخوردها چه بود؟

بعضی از آنها از جهت فقر مجبور بودند که دختران خود را زنده به خاک بسپارند که قرآن مقدس می‌فرماید: وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَه إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَاكُمْ آن قَتْلَهُمْ كانَ خِطْئًا كَبِيرًا (سوره اسرا آیه ۳۱) یعنی از ترس فقر و بی‌چیزی فرزندان خود را نکشید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم، کشتن اطفال از گناهان بزرگ است که داستان فردی به نام قیس بن عاصم که ۱۳ دخترش را که از زنان مختلف داشت زنده به گور کرده بود و در تاریخ مشهور است که وقتی مسلمان شد و این مطلب را برای پیامبر(ص) نقل کرد، اشک بر گونه‌های برافروخته رسول خدا چون مرواریدی غلتان جاری گشت و فرمود: بدا به حال شما چرا با دختران خود اینگونه رفتار می‌کردید. در آن زمان که جهل و بی‌دانشی و خرافات پرده‌ای روی قلوب و افکار انسان‌ها کشیده و آنها را دور از حقایق و معارف و فرهنگ و تمدن نگه داشته بود. در آن زمان که تمام ملت‌ها (بویژه اعراب) از مزایای حقوقی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به دور بودند و در آن زمان که زن را برده و بنده خود می‌پنداشتند و برایش هیچ گونه ارزش انسانی قائل نبودند، در چنین اوضاع و زمانی بود که خورشید نورانی اسلام با وجود رهبری پاک و معصوم چون حضرت محمد(ص) از میان ابرهای تیره سر بیرون آورده و با پرتو خود دنیای تاریک و ظلمانی را فروغ و نور بخشید. آن نوری که هرگز خاموش نخواهد شد و آن خورشیدی که هرگز غروب نخواهد کرد. آن خورشیدی که در مدتی کوتاه از دهلی تا غرناطه را تحت تشعشعات طلایی رنگ خود قرار داد. آن خورشید و نوری که تا اعماق قلب کدر مردم جاهل راه یافته و دل‌های تاریک آنان را به نور توحید و علم روشن کرد. قائد اعظم اسلام همه مردم را تحت کلمه طیبه لااله الا الله جمع نمود و تنها وسیله شرف و امتیاز را پرهیزکاری و تقوا قرار داد.

> با ظهور اسلام جهل و مادیت جای خود را به علم و معنویت داد. غرور و تکبر به تواضع و فروتنی تبدیل شد. خفقان و ظلم جایش را به عدالت و آزادی داد و دیگر آن ظلم‌ها و تحقیرهایی که نسبت به زن روا می‌داشتند از بین رفت و زن شخصیت حقیقی خود را با رهبری‌های الهی رسول خدا(ص) بازیافت و در کنار مرد به فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی پرداخت. اسلام بر خلاف گذشتگان زن را در جمیع حقوق انسانی مساوی مرد دانسته و هیچ گونه تبعیضی بین آنان روا نداشته است

■ با ظهور اسلام چه تغییری در رفتار با زنان به وجود آمد؟

با ظهور اسلام جهل و مادیت جای خود را به علم و معنویت داد. غرور و تکبر به تواضع و فروتنی تبدیل شد. خفقان و ظلم جایش را به عدالت و آزادی داد و دیگر آن ظلم‌ها و تحقیرهایی که نسبت به زن روا می‌داشتند از بین رفت و زن شخصیت حقیقی خود را با رهبری‌های الهی رسول خدا(ص) بازیافت و در کنار مرد به فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی، علمی و اقتصادی پرداخت. اسلام بر خلاف گذشتگان زن را در جمیع حقوق انسانی مساوی مرد دانسته و هیچ گونه تبعیضی بین آنان روا نداشته است و حتی در امور آخرت و جهان دیگر از نظر پاداش و جزا بین زن و مرد تفاوتی قائل نیست.

«يعْمَلْ مِنَ الصّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يدْخُلُونَ الْجَنّه وَلَا يظْلَمُونَ نَقِيرًا»هرکس از زن یا مرد با داشتن ایمان کارهای شایسته انجام دهد داخل بهشت می‌شود و به اندازه پوسته هسته خرمایی ستم نمی‌بیند. (سوره نسا آیه ۱۲۴)

در آیه دیگر قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۹۳ می‌فرماید: خداوند دعایشان را مستجاب کرد، ما عمل هیچ عمل کننده‌ای از مرد و زن شما را ضایع نخواهیم کرد و نیز اسلام زن و مرد را از نظر اقتصادی و مالکیت که عده‌ای خیال می‌کردند فقط منحصر به مرد است و زن هیچ‌گونه حقی ندارد، برای زن این مورد را هم تثبیت نموده و می‌فرماید: «لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمّا قَلّ مِنْهُ أَوْ كثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا» برای مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان از خود می‌گذارند سهمی خواه آن مال کم باشد یا زیاد و این سهمی است تعیین شده برای آنها (سوره نسا آیه ۷). جالب است که در غرب بنا به گفته ویل دورانت مورخ مشهور امریکایی در کتاب «لذات فلسفه» صفحه ۱۵۸ می‌گوید: حق مالکیت.

به رسمیت شناختن حقوق زنان یکی دیگر از موهبت‌هایی است که اسلام در ۱۴ قرن قبل به زن بخشید. حقی که در قرن نوزدهم و سال ۱۸۸۲ میلادی در پارلمان انگلستان به زن داده شد و پیش از آن زن حتی مالک درآمد دسترنج خود نبود، بلکه درآمد از آن شوهرش و یا پدر و مادرش بود و نیز ویل دورانت اضافه می‌کند که: این کارخانه و ماشین بود که زن را آزادی داد و مالک شناخت که در سایه این بخشش چرخ‌های صنعتی اروپا روی کالبد ناتوانش چرخیده و او را به زیر یوغ بردگی کشید که حتی در دوران بارداری هم باید کار کند و جان بکند. خلاصه در جمیع موارد اسلام به زن شخصیت داده و آن را محترم شمرده است. برای نمونه به فرمایشاتی از رسول خدا(ص) و ائمه معصومین در مقام زن اشاره می‌کنم. رسول خدا(ص) فرمود: بهترین شما کسی است که برای کسان خود بهتر است، من از همه شما برای کسان خود بهترم. بزرگمردان زنان را گرامی می‌شمارند و فرومایگان زنان را خار می‌دارند.(نهج الفصاحه صفحه ۱۱۸) و نیز آن حضرت فرمود: بهترین شما کسانی هستند که در رفتار با زنان بهترند و فرمود: خداوند شما را درباره زنان به نیکی سفارش می‌کند و نیز آن حضرت فرمود که کامل‌ترین مؤمنان آن است که اخلاقش نیکوتر است و از همه شما خوب‌تر کسانی هستند که برای زنان خود نیک‌ترند.

■ دیگران در احقاق حقوق زنان تا چه اندازه موفق بوده‌اند؟

برای پاسخ به این سؤال و برای آنکه زنان مسلمان بدانند که دیگران و از جمله غربیان نسبت به آزادی و شخصیتی که اسلام به آنها داده است چه می‌گویند، نمونه‌ای را بیان می‌کنم. یکی از نویسندگان امریکایی «لوتروپ ستودارد» در کتاب «تاریخ عالم نو اسلام یا امروز مسلمین» درباره خدمات پرارزش اسلام نسبت به طبقه زنان چنین می‌گوید: اسلام به زنان حق حیات و آزادی بخشید و مقام آنان را بسی ارجمند نمود، پیامبر اسلام بر زنان جهان حق بسیار عظیمی دارد و در حیات خود همیشه زنان را محترم و معزز می‌داشت. دکتر گوستاولوبون فرانسوی در تاریخ تمدن اسلام و عرب صفحه ۵۳۲ می‌نویسد اسلام اولین مذهب است که در ترقی و اصلاح زنان قدم‌های وسیعی برداشت و روی این اصل در مشرق زمین همیشه احترام زن نسبت به اروپا بیشتر بود و در آموزش و رفاهیات و آسایش، زنان مشرق زمین بر زنان اروپایی برتری دارند.

■ به کسانی که رفتار برخی از گرایشات به ظاهر اسلامی در موضوع آموزش زنان را به کل اسلام تعمیم می‌دهند چه می‌توان گفت؟

این موضوع مهمی است که باید تذکر بدهم وآن این است که بعضی از مخالفین بیان می‌کنند که اسلام با تحصیل علم و دانش زن مخالف است و حال آنکه اسلام نه تنها با تحصیل علم و دانش زن هیچ گونه مخالفتی ندارد بلکه همواره مشوق آنان در این راه بوده است. همان گونه که در ابتدا گفتم اسلام به تحصیل علم اهمیت زیادی داده و فراگرفتن علم و دانش را در هر زمینه‌ای بر هر زن و مرد مسلمان واجب دانسته است. اسلام ناب محمدی(ص) غیر از اسلام طالبانی و داعشی است که دختران دانش آموز را به رگبار مسلسل می‌بندند یا آنها را قتل عام می‌کنند. ما آنان را نه تنها مسلمان نمی‌دانیم بلکه ضد اسلام و ارزش‌های والای اسلامی می‌دانیم. اسلام واقعی می‌گوید؛ هیچ مانعی بر سر راه دانش آموزی زنان وجود ندارد، چه اشکالی دارد که یک دختر مسلمان به دبیرستان و دانشگاه برود و مراحل و مدارج عالی علمی را در هر رشته‌ای که علاقه‌مند است طی کند؟ ما در تاریخ اسلام نمونه‌های فراوانی داریم از زنان دانشمند و قهرمان. حضرت زهرا(س) که بانویی عالمه و شاعره و خطیبی بزرگ و مدافع حق و حقیقت و آزادگی بود. زنان دیگری در اسلام وجود داشته و دارند و هر کدام نسبت به زمان خود به جامعه خدمات ارزشمند و شایان توجهی کردند. حتی زنانی در تاریخ اسلام داریم که از ائمه معصومین (ع) روایت نقل کردند که در تاریخ نام آنها ثبت است و الان هم در همین کشور ایران زنانی دانشمند، آزاده و متخصص در بسیاری از علوم و فنون که از افتخارات ما هستند سراغ داریم.